

برخی از اعضای مجلس آلت دست دولتمردان هستند!

متأسفانه برخی از اعضای شورای ملی در تعیین وزرای کابینه و مواقع حساس و سرنوشت ساز کشور، ابزاری برای حکومت می شوند و این را فراموش می کنند که آنها نماینده مردم هستند؛ نه ابزاری برای حکومت.



سوء استفاده میلیونی زیر نام حمایت از خبرنگاران در افغانستان!

پس از ایجاد نظام کنونی افغانستان صدها رسانه‌ها و نهاد زیر نام های حمایت و دفاع از حقوق خبرنگاران در کشور تاسیس شد. این نهادها پول‌های هنگفت را به این بهانه از نهادهای ملی و بین‌المللی دریافت کردند.



امریکا و افغانستان؛ دوریسی جمهورنگران

◆ به نظر می رسد اوپاما با توجه به ناکزیری های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی امریکا در داخل ایالات متحده و در سطح بین المللی، نگرانی های خاص خود را دارد و به همین دلیل، تلاش می کند مأموریت پرهزینه افغانستان را هرچه سریع تر پایان بخشد؛ زیرا از یکسو تحت فشار سنگین افکار عمومی امریکا قرار دارد و از سوی دیگر، اقتصاد رو به رکود غرب و امریکا، اجازه صرف هزینه های میلیاردری طولانی ترین مأموریت نظامی تاریخ امریکا در افغانستان را نمی دهد و از سوی دیگر، امریکا به لحاظ سیاسی و نظامی، درگیر بحران ها و نبردها جدی و جدیدی در عرصه بین المللی و دیگر نقاط جهان است که موضوع افغانستان را از اولویت های استراتژیک ایالات متحده خارج می کند. در صفحه ۳



۱۰۰ روز نخست، آئینه پنج سال آینده؟

در صفحه ۲

یادداشت

روز های سرد و خبرهای داغ!

سید مظفر دره صوفی

زمستان سرد در افغانستان همراه با خبرها و گزارش های داغ آغاز یافت. در آغازین روزهای این فصل سال «باراک اوپاما» رئیس جمهور امریکا اعلام داشت که مأموریت رزمی نیروهای امریکا در افغانستان خاتمه یافته است و این خبر به همین جا خاتمه نیافت، بل تحلیل ها و تبصره های گوناگونی له و علیه آن صورت گرفت و این پرسش در نزد تحلیل گران ایجاد شد که با پایان یافتن مأموریت نظامی نیروهای ناتو به ویژه امریکا در افغانستان، آینده ی ما چگونه خواهد شد؟

آنچه مقامات غربی اعلام داشته اند بر آن پای بند خواهند بود یا آن که پشت پرده سیاست چیزی، و روی پرده چیزی دیگر است. برخی اما آینده را در گرو دید روشن گذشته می نگرند و این پرسش را مطرح می کنند که در سیزده سال گذشته نیروهای غربی به ویژه امریکا چه دست آوردی برای افغانستان داشته است که بعد از این داشته باشد.

این که میلیاردها دالر به مصرف رسیده داستان دیگری است. اما مأموریت نیروهای غربی در افغانستان با چه دست آوردی مهمی خاتمه پیدا کرد که اینک در انتظار آینده باید بود؛ سرفرازی و افتخار آن نیروها در چیست و با کدام دست آورد به کشور خود برمی گردند...؟ ادامه در صفحه ۳

احتمال معرفی اعضای کابینه جدید به ولسی جرگه در یک روز آینده

دلیل تاخیر در اعلام کابینه، رهبران حکومت وحدت ملی را شدیداً انتقاد کردند و اظهار داشتند که اعضای کابینه باید بزودی اعلام گردند. بر اساس گزارش ها، کابینه جدید حکومت وحدت ملی، ۲۵ وزیر دارد که سیزده تن از آنها از سوی رئیس جمهور غنی و ۱۲ وزیر آن از سوی عبدالله عبدالله تعیین می شوند. اما هنوز هم معلوم نیست که آیا روز چهارشنبه هفته جاری به انتظار مردم و حلقهات سیاسی برای اعلام اعضای کابینه پایان داده خواهد شد یا باز هم این گره کور، باز نشده باقی خواهد ماند؟.

معرفی کند. در همین حال شماری از سناتوران هم روز یکشنبه در جلسه عمومی مشرانو جرگه به حکومت تاکید کردند که باید هر چه زودتر کابینه را اعلام کند. پیش از این دو هیئت ولسی جرگه نیز بخاطر تاخیر در اعلام کابینه با رئیس جمهور و رئیس اجرایی حکومت ملاقات کردند. تاخیر در اعلام کابینه نه تنها با انتقاد شدید اعضای شورای ملی روبرو گردیده بلکه عامه مردم و جامعه مدنی نیز بخاطر این مساله ابراز نگرانی می کنند. شماری از اعضای جامعه مدنی روز یکشنبه نیز به

یک منبع در ارگ ریاست جمهوری می گوید که ممکن اعضای کابینه جدید به روز چهارشنبه هفته جاری به ولسی جرگه معرفی شوند. به گزارش خبرگزاری آوا، این منبع که نخواست نامش افشا شود، به رادیو آزادی گفته است که، روز یکشنبه در ارگ ریاست جمهوری در این مورد مذاکرات صورت گرفته است. این منبع می افزاید، گمان می رود که رئیس جمهور غنی با افرادی که به حیث نامزد وزرا تعیین گردیده اند در روزهای دوشنبه و سه شنبه به گونه جداگانه ملاقات نماید و بعداً آنان را به ولسی جرگه

تحلیل

مرگ های بی یادبود، زخم های بی بهبود

بربنیاد آمار وزارت دفاع انگلیس، سربازان این کشور مستقر در افغانستان در جریان عملیات ها در هشت سال مأموریت شان، ۱۸۶ غیر نظامی را کشته اند. وزارت دفاع انگلیس تاکید کرده که شماری از غیر نظامیان نیز در حمله های هوایی و برخی دیگر به صورت اشتباهی به قتل رسیده اند. با این حال، در اسنادی که منتشر شده آمده که برای خانواده های قربانیان سه هزار یورو خساره پرداخت شده است.

این اسناد همچنین نشان می دهد که سربازان انگلیسی در جریان مأموریت شان، بیشتر از ۴۰۰۰ خانه شهروندان افغانستان را ویران کرده اند.

دولت پیشین افغانستان بارها نیروهای خارجی را به کشتار غیرنظامیان و تلاشی غیر قانونی منازل مسکونی شهروندان کشور متهم کرده بود.

در پیوند به این موضوع، حامد کرزی؛ رئیس جمهوری پیشین، بارها سفیر و مقام های ارشد نظامی انگلیس و امریکا را فراخوانده بود.

کشتار غیرنظامیان و تلاشی خانه ها، از عوامل اصلی بود که آقای کرزی در زمان حکومتش، موافقتنامه امنیتی را با ناتو و امریکا امضا نکرد.

با این حال، نه دولت پیشین و نه دولت جدید، هیچکدام آمار دقیقی از شمار غیر نظامیانی که به وسیله نیروهای انگلیسی در افغانستان کشته شده اند ارائه نکرده اند و این در حالی است که به عقیده منتقدان، دولت به عنوان نماینده مردم، می بایست حافظ جان و مال و امنیت آنها باشد و در برابر کسانی که اقدام به کشتار غیر نظامیان - خواه عمدی و خواه اشتباهی - می کنند ایستادگی کرده و عاملان این جنایت ها را به دادگاه بکشاند.

در این میان روشن نیست که آمار منتشر شده از سوی وزارت دفاع انگلیس تا چه حد بر پایه واقعیت های عینی در این زمینه استوار است و آنچه از سوی این وزارت، قتل اشتباهی یا در میدان نبرد غیر نظامیان خوانده شده، آیا اساساً درست است یا خیر.

در این گزارش اما هیچ اشاره ای به این مساله نشده است که آیا کسانی که عامل این کشتار بوده اند مجازات نیز شده اند یا خیر ... ادامه در صفحه ۲

در دیدار با حنیف اتمر؛

تاکید شمخانی بر دستیابی به امنیت پایدار مرزهای ایران و افغانستان

دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران خروج نیروهای ناتو از افغانستان را فرصتی مناسب برای اثبات توانمندی های ارتش و نیروهای امنیتی کشورمان در دفاع از منافع ملی، شهروندان و مبارزه با تروریسم دانست.

بهره جسته اند.

وی با اشاره به افشای واقعیت های تروریسم و حامیان آن برای افکار عمومی جهان افزود: دوران استفاده ابزاری از تروریسم برای دخالت در منطقه و پیشبرد منویات استعماری به اتمام رسیده است.

وی در این سفر دو روزه به تهران با دیگر مقامات ایران درباره مناسبات دوجانبه و تحولات منطقه ای و بین المللی گفت و گو خواهد کرد.

شمخانی مشترکات تاریخی و فرهنگی دو ملت را عامل پیوند و همبستگی عمیق دو کشور همسایه دانست و آن را اصلی ترین عامل بازدارنده در برابر سیاست های تفرقه افکنانه دشمنان برشمرد. خروج ناتو فرصتی برای اثبات توانمندی نیروهای امنیتی افغانستان دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران خروج نیروهای ناتو از افغانستان را فرصتی مناسب برای اثبات توانمندی های ارتش و نیروهای امنیتی کشورمان در دفاع از منافع ملی، شهروندان و مبارزه با تروریسم دانست.

در یابان شمخانی گفت: گسترش ناامنی و ترور، سیاست دیرینه برخی قدرت ها برای استهلاک ظرفیت های ملی و جایگاه منطقه ای کشورهای اسلامی بوده و همواره از این ابزار به منظور توجیه دخالت های نظامی، سیاسی و اقتصادی خود

ای از رویکرد مثبت ایران به مردم ستمدیده افغانستان توصیف کرد. اتمر تلاش یکپارچه برای ایجاد انسجام سیاسی و مقابله همه جانبه با افراط گرایی و تروریسم در کنار گسترش همکاری ها به ویژه با کشورهای همسایه را اولویت دولت جدید افغانستان برشمرد و در این راستا بر نقش و جایگاه ارزنده جمهوری اسلامی ایران تاکید کرد. بهره مندی از منابع آبی مشترک شمخانی موضوع رودخانه های مرزی و ضرورت اتخاذ تصمیمات سازنده به منظور بهره مندی هر دو ملت از منابع آبی مشترک را مورد تاکید قرار داد و اظهار داشت: رونق کشاورزی و دامپروری که زمینه ساز توسعه اقتصادی در مرزهای مشترک است مهمترین راهبرد به منظور از میان بردن زمینه های ناامنی، شرارت و بهره مندی جریانات تروریستی از منابع انسانی منطقه است.

در نخستین دور گفت و گو میان «علی شمخانی» دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران و حنیف اتمر مشاور امنیت ملی افغانستان، طرفین بر ضرورت توسعه همکاری های دوجانبه به منظور استقرار امنیت و ثبات پایدار در منطقه تاکید کردند. به گزارش خبرگزاری آوا، «حنیف اتمر» که دیروز دوشنبه و در پاسخ به دعوت رسمی «علی شمخانی» دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران به تهران سفر کرده، بعد از ظهر امروز با علی شمخانی دیدار و گفت و گو کرد. تلاش برای انسجام سیاسی و مقابله با افراط گرایی حنیف اتمر مشاور امنیت ملی رئیس جمهور در این دیدار ضمن تقدیر از مشارکت فعال ایران در توسعه و پیشرفت افغانستان، پذیرایی از اتباع کشورمان در سالیان متمادی جنگ و ناامنی در افغانستان را نمونه

تحلیل

مرگ های بی یادبود، زخم های بی بهبود

ادامه از صفحه اول / این انتقاد دیگری است که بر دولت های پیشین و کنونی افغانستان وارد می شود. در طول ۱۳ سال گذشته، هیچ سرباز انگلیسی یا غیر انگلیسی به رغم ارتکاب جنایت و کشتار غیر نظامیان، در دادگاه های ملی افغانستان، محاکمه نشده است.

این در حالی است که به باور کارشناسان، حتی اگر به آمارهای ارائه شده در گزارش اخیر وزارت دفاع انگلیس نیز تکیه کنیم و آن را مورد پذیرش قرار دهیم، حق دولت افغانستان به عنوان حافظ جان و مال و منافع مردم افغانستان برای به محاکمه کشیدن عاملان این کشتارها و ویرانی ها، از میان نمی رود و محفوظ است؛ بنابراین، چرا کسانی که حد اقل بر اساس آمار خود شان، ۱۸۶ غیر نظامی بی گناه افغان را کشته و بیش از ۴۰۰۰ منزل مسکونی مردم افغانستان را تخریب کرده اند نباید مجازات شوند؟

آیا جان ۱۸۶ غیر نظامی افغان به اندازه ای بی ارزش است که حتی یک نظامی خارجی نیز به علت دست داشتن در ریختن خون آنان نباید محاکمه شود؟

آیا اعطای تنها ۳۰۰۰ یورو در بدل جان یک نفر، توهینی آشکار به قربانی و خانواده او نیست؟

گورهای مردگان بی یادبود و زخم های بی بهبود این جنایت ها، هرگز فراموش نخواهد شد؛ حتی اگر همه کمر به انکار آن ببندند.

ویرانی ۴۰۰۰ خانه مسکونی نیز بعد دیگر این جنایت است. بازهم باید تاکید کرد که این آمارهای است که وزارت دفاع انگلیس داده و آمارهای واقعی ممکن است بسیار بیشتر از این رقم را نشان دهد؛ ولی دولت افغانستان در این زمینه نیز با سهل انگاری و بی توجهی، هیچ آماری منتشر نکرده و هرگز کسانی که عامل ویرانی منازل مسکونی مردم فقیر در مناطق جنگ زده کشور هستند را مورد پیگرد قرار نداده است.

این در حالی است که اخیراً به دنبال اصابت یک راکت از سوی نیروهای اردوی ملی به یک محفل عروسی در هلمند که ۲۰ کشته و ۷۰ زخمی برجای گذاشت، دولت فوراً اقدام کرد، هیات فرستاد و دست کم دو نیروی اردوی ملی را نیز در پیوند به این رویداد بازداشت کرد؛ بنابراین، پرسش این است که چرا در برابر نیروهای خارجی و انگلیسی، حد اقل یکبار برای همیشه، اقدام مشابهی صورت نگرفته است؟

خبر

مفتی سابق مصر، خطاب به مفتی عربستان: از شدت کینه بمیرید!



شیخ علی جمعه مفتی سابق مصر، مخالفان جشن گرفتن سالروز میلاد پیامبر اسلام (ص) را گمراه دانست و خطاب به آنها گفت: از شدت کینه تان بمیرید!

به گزارش خبرگزاری آوا به نقل از العالم، شیخ علی جمعه در یک برنامه تلویزیونی در شبکه «سی بی سی» مصر، گفت: جشن گرفتن میلاد پیامبر (ص) در واقع عمل کردن به یکی از احادیث ایشان است که فرموده است: آدمی، همراه کسی است که او را دوست دارد و پیامبر (ص) با روزه گرفتن در روزهای دوشنبه و پنج شنبه، سالگرد میلاد خویش را گرامی می داشت.

وی افزود: جشن گرفتن میلاد پیامبر (ص) در چارچوب اصل شریعت قرار می گیرد. زیرا پروردگار فرموده است: «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» یعنی روزهای خداوند را به آنها یادآوری کن. مفتی سابق مصر خاطر نشان کرد: برخی از مذاهب، جشن گرفتن میلاد پیامبر (ص) را شرک می دانند که این اندیشه، همان تفکرات داعشی ها و تکفیری هاست.

مفتی کل عربستان اخیراً در موضعی همسو با گروه تروریستی داعش، برگزاری هرگونه مراسم و یا جشن گرفتن سالروز میلاد پیامبر اسلام (ص) را بدعت و شرک دانسته است.

۱۰۰ روز نخست، آینه پنج سال آینده؟

ارزیابی جامعه مدنی از کارکرد حکومت وحدت ملی در صد روزه نخست آغاز به کار آن و عدم دستاورد این حکومت در هیچ زمینه ای طی این مدت، به ویژه ناتوانی سران آن در معرفی اعضای کابینه، به باور ناظران، امیدها نسبت به آینده آن را به شدت کاهش می دهد.

گروه کاری مشترک جامعه مدنی می گوید که حکومت وحدت ملی در ۱۰۰ روز نخست کاری اش، هیچ دستاوردی نداشته است. باری سلام؛ فعال مدنی گفت که حکومت وحدت ملی تنها به دادن وعده های «فریبنده» اکتفا کرده است. آقای سلام افزود که ۱۰۰ روز نخست حکومت برابر است با شش درصد کل دوره کاری حکومت. این گروه تاخیر در ایجاد کابینه را یک خلأ رهبری و مدیریتی دانسته

این سنت در سال های اخیر در دیگر کشورهای جهان نیز مورد توجه قرار گرفته است. در این میان، اکنون از عمر حکومت وحدت ملی افغانستان نیز نزدیک به ۱۰۰ روز می گذرد؛ اما آنچه هنوز از آن خبری نیست کابینه حکومت جدید است. قرار بود در ۴۵ روز اول ریاست جمهوری، آقای غنی با همکاری دکتر عبدالله اعضای کابینه را مشخص کند؛ اما اینک از آن زمان بیش از سه ماه

نداده است. هم مفاد توافقنامه سیاسی دو رهبر هنوز عملی نشده و هم وعده های فراوانی که هریک از آنها در جریان کمپاین های انتخاباتی به مردم و رأی دهندگان خود داده بودند. نگرانی عمده در این میان، اختلاف سنگین و گسترده ای است که هنوز میان دو تیم تشکیل دهنده حکومت وجود دارد و این نگرانی زمانی دو چندان می شود که تصور کنیم قرار است آنها به جز تقسیم ۵۰



می گوید که ادامه این روند مردم را نسبت به توانایی حکومت، بی باور خواهد کرد. آنها هشدار می دهند که هرچه زودتر کابینه اعلام شود؛ در غیر آن، حکومت با اعتراضات گسترده جامعه مدنی و مردم روبرو خواهد شد. گفته می شود که علت اصلی تاخیر در معرفی کابینه، مذکرات پنهانی رییس جمهور با طالبان بوده و او تلاش دارد که در کابینه برخی اعضای این گروه نیز شامل باشند.

گروه جامعه مدنی می گوید که این امر در صورت پذیرفتنی است که طالبان قانون اساسی، حقوق زنان و دوری از تروریسم بین المللی را قبول کنند.

۱۰۰ روز نخست، یک سنت سیاسی است که غالباً در امریکا رواج و رسمیت دارد و بر پایه آن، رؤسای جمهوری جدید آن کشور، این مدت را به مثابه آزمونی به ملت و رأی دهندگان خویش، در نظر می آورند و تلاش می کنند طی ۱۰۰ روز نخست ریاست جمهوری، اقدامات و برنامه هایی را ارائه کنند که بر بنیاد آن، نقشه راه چهار سال آینده ریاست جمهوری آنها برای مردم امریکا و جهان مشخص گردد.

سپری شده؛ اما کابینه کماکان، معرفی نشده است. اگرچه براساس تازه ترین ابراز نظرها و وعده ها، قرار است در جریان هفته جاری، اعضای کابینه جدید به پارلمان معرفی شوند؛ اما ناظران می گویند با توجه به وعده های مشابه در گذشته، هنوز اطمینان کافی در این زمینه وجود ندارد.

با این حساب، ارزیابی جامعه مدنی از کارکرد حکومت وحدت ملی در صد روزه نخست آغاز به کار آن و عدم دستاورد این حکومت در هیچ زمینه ای طی این مدت، به ویژه ناتوانی سران آن در معرفی اعضای کابینه، به باور ناظران، امیدها نسبت به آینده آن را به شدت کاهش می دهد.

شماره ای از کارشناسان می گویند که اگر بر اساس سنت سیاسی معمول در امریکا، ۱۰۰ روز نخست کار حکومت وحدت ملی را آینه تمام نمای کار آن طی پنج سال آینده قلمداد کنیم، در آن صورت، حجم ناامیدی های ناشی از این امر، بسیار بیشتر خواهد شد. بر اساس این ارزیابی، حکومت اکنون ۶ درصد کل زمان کار قانونی خود را سپری کرده و این در حالی است که هیچ کار مثبت و ثمربخشی تاکنون برای مردم افغانستان انجام

درصدی کابینه، ریاست های مستقل و ولایات، بندهای دیگر توافقنامه سیاسی را نیز به اجرا درآورند که در آن صورت به عقیده منتقدان، تنش های تازه و شدیدی میان دو طرف بروز خواهد کرد و این تنش ها، بدون شک، موجب بن بست های دیگر شده و به همین صورت، زمانی که باید صرف کار برای مردم، سامان بخشیدن به امور نابسامان کشور در تمامی عرصه ها و ساختن آینده افغانستان و افغانستان آینده شود، صرف چانه زنی های سخیف بر سر کسب امتیازهای بیشتر از سوی هردو تیم خواهد شد و این واقعا ناامیدکننده است.

اگر تلاش کنیم خوشبین باشیم و از ارزیابی بدبینانه وضعیت جاری فاصله بگیریم، شاید بتوان گفت قرار است همه سختی های پنج سال آینده در همین ۱۰۰ روز نخست حل و فصل شود و دامنه این وضعیت به پنج سال آینده کشیده نشود؛ اما واقعیت این است که دو رهبر طی این مدت، فقط بر سر کابینه، چانه زده اند و مشکلات دیگر هنوز به قوت خود باقی است؛ پس آیا این بدان معنا نیست که ۱۰۰ روز نخست، آینه ۵ سال آینده است؟

سوء استفاده میلیونی زیر نام حمایت از خبرنگاران در افغانستان!

گذشت هر سال افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۴ میلادی، ۱۲۵ مورد خشونت علیه خبرنگاران در کشور به ثبت رسیده است که این افزایش میزان خشونت علیه خبرنگاران را نشان می دهد. در این سال ۸ خبرنگار کشته، ۲۰ تن بازداشت و ۳۸ تن دیگر مورد لت و کوب قرار گرفته اند. این در حالیست که در جریان یک دهه اخیر، ۴۷ خبرنگار داخلی و خارجی در افغانستان جان های شان را از دست داده اند و ۴۵۰ حادثه خشونت بار علیه خبرنگاران به ثبت رسیده است ... ادامه در صفحه ۳

شماره ای از خبرنگاران و فعالان رسانه ای می گویند که در جریان دهه ای اخیر، نهادهای زیر نام حمایت خبرنگاران، میلیون ها دالر را به جیب زده اند. به گزارش خبرگزاری آوا، آصف وردک، یکی از خبرنگاران سابقه دار کشور می گوید که از نام خبرنگاران در جریان سال های اخیر، تجارت های «بی شرمانه» شده است. آقای وردک که روز دوشنبه در یک نشست خبری در کابل صحبت می کرد، افزود که در زمینه سوء استفاده این نهادها از خبرنگاران، اسناد معتبر در دست دارد.

گزارش

برخی از اعضای مجلس آلت دست دولتمردان هستند!

متأسفانه برخی از اعضای شورای ملی در تعیین وزرای کابینه و مواقع حساس و سرنوشت ساز کشور، ابزاری برای حکومت می شوند و این را فراموش می کنند که آنها نماینده مردم هستند؛ نه ابزاری برای حکومت.

مسعوده کروخی؛ عضو مجلس نمایندگان بایبان مطلب فوق به خبرگزاری آوا گفت که در ده سال گذشته پارلمان افغانستان کم کاری های زیادی داشته، اما همین نمایندگان توسط خود مردم انتخاب شده اند.

کروخی گفت که با توجه به تمام مشکلات فعلی کشور، پارلمان نیز از واقعیت های تلخ جامعه امروزی به شمار می آید و یکی از دلایل عمده آن حضور افراد نا شایست و نالایق با انتخاب خود مردم افغانستان می باشد.

وی افزود که متأسفانه برخی از اعضای شورای ملی در تعیین وزرای کابینه و مواقع حساس و سرنوشت ساز کشور ابزاری برای حکومت می شوند و این را فراموش می کنند که آنها نماینده مردم هستند؛ نه ابزاری برای حکومت.

نیلوفر ابراهیمی؛ یکی دیگر از اعضای مجلس نیز به این بارو است که پارلمان افغانستان مسلکی نیست و مهم ترین عامل مشکلات فعلی پارلمان، نبود یک کمیسیون دارالانشای قوی و مسلکی می باشد.

وی افزود که همچنین بیشتر اعضای پارلمان به شکل انفرادی متوسل به زور و برای حفظ دارایی های باد آورده خود وارد پارلمان شده، پس اینها هیچ گاهی متعهد به ملت و پاسخگوی قانون نیستند و همواره مخالف سیاسی شدن و حزبی شدن پارلمان بوده اند.

این درحالیست که چندی قبل مجلس نمایندگان بخاطر نبود آجندهای کاری برگزار نشد و این مساله با انتقاد تند برخی اعضای مجلس روبرو شده است.

نمایندگان معترض هیات اداری و کمیسیون های هجده گانه، مجلس را به کم کاری در مسیر بررسی و تصویب قوانین وعدم توجه به چالش های کشور متهم کردند.

بیش از یک دهه از عمر مجلس نمایندگان که مظهر اراده مردم است، می گذرد، اما مجلس در این مدت هیچ نقطه درخشانی در کارنامه خود نداشته است.

شهروندان و آگاهان امور به این باورند که پارلمان افغانستان یک نهاد خسته، کم کار، اما با مصارف گزاف به پیش می رود و تاکنون کارکردها و فعالیت های مجلس حتا کمترین تاثیر را روی زندگی مردم نداشته است.

کارشناسان معتقدند که با گذشت هر روز کم کاری و بی کفایتی مجلس نمایندگان روشن تر از گذشته به اثبات می رسد. امیدی که به این نهاد وجود داشت تا به عنوان ساختار دادخواه و حامی حقوق شهروندان عمل کند، اکنون خود وارد چرخه کشنده فساد شده است.

گفتنی است که مردم افغانستان این روزها با مشکلات امنیتی و اقتصادی دست و پنجه نرم می کنند و از کم کاری و کم توجهی های حکومت و پارلمان به ستوه آمده اند! دیگر آنها نمی دانند که برای حل مشکلات شان به کجا مراجعه کنند و چه کسی و کدام نهاد پاسخگوی این همه مشکلات خواهد بود.

حمله انتحاری بر کاروان نیروهای خارجی در کابل

حوالی ساعت ۱:۳۰ دقیقه بعد از ظهر دپروز یک حمله کننده انتحاری سوار بریک موتر نوع کرولا واسطه نیروهای خارجی را مورد هدف قرار داد. به گزارش خبرگزاری آوا، حشمت الله استانکزی، در صفحه فیس بوک خود نوشته است که این حمله انتحاری در ساحه یکه توت از مربوطات حوزه نهم امنیتی پولیس رخ داده است. آقای استانکزی نوشته است که در این حمله شش غیرنظامی زخمی شدند و تنها یکی از مجروحان پس از انتقال به شفاخانه جان خود را از دست داده است. از تلفات احتمالی نیروهای خارجی گزارشی منتشر نشده است.

امریکا و افغانستان؛ دو ریس جمهور نگران

اشرف غنی؛ رئیس جمهور گفته است که ضرب الاجل دو ساله امریکا برای خارج کردن آخرین نیروهایش از افغانستان، ممکن است نیازمند «بررسی مجدد» باشد.

باراک اوباما؛ رئیس جمهوری امریکا می گوید همزمان با مسؤولیت پذیری افغان ها در امور امنیتی کشور شان، همه سربازان امریکایی را تا پایان ۲۰۱۶ میلادی از افغانستان خارج خواهد کرد.

به این ترتیب به نظر می رسد این موضع تازه رییس جمهوری امریکا در زمینه زمان حضور نیروهای خارجی در افغانستان، تا حدود زیادی دولت افغانستان را غافلگیر کرده است و آقای اشرف غنی به عنوان رییس جمهور، رسماً در این خصوص ابراز نگرانی کرده و خواستار بررسی مجدد آن شده است.

از سوی دیگر، ناظران می گویند که تصمیم غافلگیرکننده و غیر قابل پیش بینی رییس جمهوری امریکا در خصوص خروج نیروهای امریکایی از افغانستان نیز احتمالاً ناشی از نگرانی هایی است که امریکا نسبت به آینده این مأموریت و کارکرد مثبت آن با توجه به اهدافی که ایالات متحده از این مأموریت دنبال می کند دارد.

اما پیکارجویان طالبان در سال گذشته میلادی، حملات خود را به طور قابل توجهی شدت داده اند و علیه امریکا اعلام پیروزی کرده اند.

با توجه به این امر، کارشناسان از ابراز این موضع رییس جمهوری امریکا ابراز تعجب کرده می گویند که در صورتی که نیروهای خارجی در سال ۲۰۱۶ به طور کامل افغانستان را ترک کنند و این امر در حالی صورت گیرد که طالبان، هنوز دست کم به میزان کنونی قدرت داشته باشند، این به معنای پذیرش صریح شکست از سوی امریکا در جنگ با تروریسم در افغانستان است.

وضعیتی که اکنون و پس از ۱۳ سال جنگ با تروریسم در افغانستان جریان دارد و این در حالی است

که ناتو و امریکا رسماً از جنگ با طالبان و تروریسم، دست کشیده اند نیز پیشتر، انتقادهای شدیدی را برانگیخته بود.

کارشناسان می گویند که ناتو و امریکا اکنون این مأموریت را نیمه کاره رها کرده و بدون آنکه دستاوردی کسب کرده باشند، این مسؤولیت سنگین را بر دوش نیروهای امنیتی افغانستان و انباده اند. آقای غنی در مصاحبه با شبکه تلویزیونی سی بی اس امریکا گفت که «ضرب الاجل ها نباید جزمی

او هنوز نتوانسته حتی کابینه اش را تشکیل دهد؛ بنابراین، کارشناسان می گویند اعلام نگرانی او نسبت به این تصمیم امریکا و اعتراض او به موضع اخیر اوباما و جزمی قلمداد کردن آن، بیانگر آن است که او هنوز راهبردی برای مبارزه با تروریسم، تامین مستقلانه امنیت کشور و رهایی و وارستگی از وابستگی به کمک خارجی، تا سال ۲۰۱۶ ندارد و انتظار دارد این نیروها تا سال های آینده، همچنان در افغانستان حضور داشته باشند.

امریکایی در افغانستان و همچنین موضع گیری صریح اشرف غنی در این خصوص، طالبان را در این تصمیم شان، جدی تر و جری تر خواهد کرد و آنها را در آنچه ناظران «توهم پیروزی» می خوانند مصرت تر و مصمم تر خواهد ساخت.

در این میان، به نظر می رسد اوباما با توجه به ناگزیری های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی امریکا در داخل ایالات متحده و در سطح بین المللی، نگرانی های خاص خود را دارد و به همین دلیل، تلاش می کند

دلیل وضعیت حد امنیتی در حال حاضر، آینده غیر قابل پیش بینی حکومت وحدت ملی و همچنین نداشتن یک راهبرد بلندمدت امنیتی در زمینه مبارزه با تروریسم و تامین امنیت کشور، نگران خروج زود هنگام نیروهای امریکایی است.

در اوج عملیات ۱۳ ساله ائتلاف بین المللی، بیش از ۱۳۰ هزار نظامی از ۵۰ کشور در افغانستان حضور داشتند.

آقای غنی در مصاحبه با برنامه ۶۰ دقیقه شبکه سی بی اس که یکشنبه

امریکا باشد و می تواند حکایت از اطمینان وی نسبت به تغییر موضع او داشته باشد.

در همین حال، جنرال جان کمپبل که باقی نیروهای ائتلافی در افغانستان را هدایت می کند به ۶۰ دقیقه سی بی اس گفت مطمئن است که نیروهای امنیتی افغانستان می توانند مانع از افتادن کشور شان به دست گروه های پیکارجو مثل داعش شوند.

او گفت: «...این عراق نیست. من نمی توانم ورود داعش به افغانستان مثل آنچه در عراق اتفاق افتاد را پیش بینی کنم. نیروهای امنیتی افغان چنین اجازه ای نخواهند داد.»

او استدلال کرد که ارتش افغانستان اکنون «محترم ترین نهاد در افغانستان به حساب می آید.»

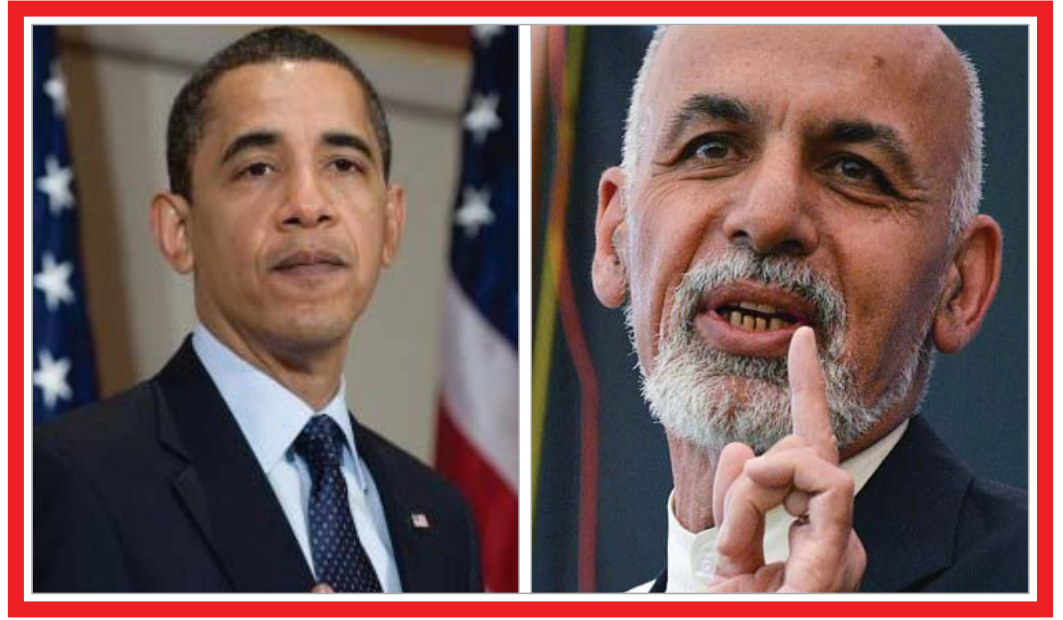
او که از کابل با این شبکه صحبت می کرد گفت دو سال قبل احتمالاً نمی توانست چنین حرفی بزند؛ اما امروز چنین است.

با این حال، به باور تحلیلگران مسایل امنیتی، اینکه داعش در افغانستان، ظهور نخواهد کرد، دلیل کافی برای نادیده گرفتن چالش ها و تهدیدهای سنگین و بزرگی که در برابر نیروهای امنیتی و مردم افغانستان از ناحیه تروریسم قرار دارد نیست.

با این وصف، ناظران پیشنهاد می کنند که دولت افغانستان، طی دوسال

آینده در کنار تقویت نیروهای امنیتی و برخورد جدی با فعالیت های تروریستی، نیازمند اقداماتی است که بر پایه آن، کشورهای خارجی از جمله سازمان ناتو و امریکا مجاب و مجبور شوند به مفاد پیمان های امنیتی و راهبردی خود در قبال افغانستان عمل کنند؛ تا دولت تقویت شود، نیروهای امنیتی مقتدرتر، آموزش دیده تر و نیرومندتر گردند و تروریسم سرکوب شود؛ در غیر آن، دو سال آینده نیز هیچ تفاوتی با وضعیت کنونی نخواهد داشت و با خروج کامل نیروهای خارجی، افغانستان بار دیگر به حال خود رها خواهد شد.

از زمان پایان رسمی عملیات صلحی ائتلاف در ماه گذشته، حدود ۱۳ هزار سرباز عمدتاً امریکایی در نقش آموزشی و حمایتی در افغانستان باقی مانده اند. چند هزار سرباز دیگر امریکایی هم هستند که بر عملیات ضد تروریستی تمرکز خواهند داشت.



عصر به وقت شرق امریکا پخش شد گفت: «اگر هر دو طرف، یا در این مورد چندطرف با منافع مشترک، بیشترین تلاش را برای رسیدن به اهداف شان کرده اند و پیشرفت واقعی به دست آمده، در آن صورت باید تمایل به بررسی مجدد ضرب الاجل وجود داشته باشد.»

او در پاسخ به این سؤال که آیا این مساله را با آقای اوباما در میان گذاشته است گفت: «پرزیدنت اوباما مرا می شناسد. نیازی نیست به هم بگویم.»

این پاسخ او از دید ناظران، مبهم و دوگانه است. می تواند نشانگر رابطه سرد او با رییس جمهوری

مأموریت پرهزینه افغانستان را هرچه سریع تر پایان بخشد؛ زیرا از یکسو تحت فشار سنگین افکار عمومی امریکا قرار دارد و از سوی دیگر، اقتصاد رو به رکود غرب و امریکا، اجازه صرف هزینه های میلیاردری طولانی ترین مأموریت نظامی تاریخ امریکا در افغانستان را نمی دهد و از

سوی دیگر، امریکا به لحاظ سیاسی و نظامی، درگیر بحران ها و نبردها جدی و جدیدی در عرصه بین المللی و دیگر نقاط جهان است که موضوع افغانستان را از اولویت های استراتژیک ایالات متحده خارج می کند.

با این حال، اشرف غنی نیز به

از زمان پایان رسمی عملیات صلحی ائتلاف در ماه گذشته، حدود ۱۳ هزار سرباز عمدتاً امریکایی در نقش آموزشی و حمایتی در افغانستان باقی مانده اند. چند هزار سرباز دیگر امریکایی هم هستند که بر عملیات ضد تروریستی تمرکز خواهند داشت.

طالبان اما اعلام کرده اند که امریکا و متحدانش «شکست خورده اند» و قول داده اند که «با اخراج باقی نیروهای متجاوز، یک نظام خالص اسلامی برقرار کند.»

در همین حال، ناظران پیش بینی می کنند که تغییر موضع تازه باراک اوباما در زمینه زمان حضور نیروهای

باشند.»

اختلاف نظرها در مورد جدول زمانی خروج ائتلاف تحت رهبری امریکا باعث تنش در روابط آقای اوباما با حامد کرزی؛ رئیس جمهور سابق افغانستان شده بود.

اکنون کارشناسان هشدار می دهند که اگر تصمیم تازه اوباما علمیتایی شود، خطر بروز تنش هایی میان رییس جمهور اشرف غنی و اوباما نیز دور از انتظار نیست.

آقای غنی اگرچه نسبت به آقای کرزی، به امریکا نزدیکتر است و در انتخابات جنجال برانگیز اخیر نیز گزینه نخست امریکا و غرب برای ریاست جمهوری افغانستان بود؛ اما

سوء استفاده میلیونی زیر

نام حمایت از خبرنگاران

در افغانستان!

ادامه از صفحه دوم / از میان ۴۵۰ خشونت علیه خبرنگاران، ۲۰۰ مورد آن توسط نهادهای دولتی کشور صورت گرفته است و متباقی از سوی طالبان و افراد مسلح غیر مسول انجام شده است.

نهادهای مدافع خبرنگاران خود اعتراف می کنند که در جریان سیزده سال هنوز حتی به یک پرونده قتل خبرنگاران از سوی دولت رسیدگی نشده است، این نشان دهنده آن است که این نهادها هیچ کاری برای جلوگیری و یا کاهش خشونت علیه خبرنگاران انجام نداده اند.

باین حال، خبرنگاران می خواهند که دولت باید از این نهادها بازخواست کند که این همه پول زیر نام حمایت از خبرنگاران به کجا مصرف شد.

در تازه ترین مورد یکی از خبرنگاران هرات به دلیل مشکلات مالی در یکی از شفاخانه های هندوستان جان داد، اما این نهادها هیچ کمک مالی به این خبرنگار انجام ندادند!

روز های سرد و خبرهای داغ!

ورزید.

کند و دست از حمایت رفیق بر ندارد.

آقای کرزی در سال ۲۰۰۵ اولین پیمان همکاری را میان افغانستان و امریکا به امضا رساند و از امضای آن پیمان چنان مشعوف و مسرور شده بود که در پوست نمی گنجید و تصور می برد که دست به یک شاهکار مهم زده است. با این ذهنیت می زیست و تصویری برد که حضور امریکا در افغانستان به معنای دسترسی به تمام نیکی ها و نیکویی ها است. وی با این ذهنیت خود زندگی می کرد و آرزوهای سبز و سرخ در دماغ خود می پرورید. این وضعیت دوام داشت تا وقتی که آقای اوباما نامزد ریاست جمهوری امریکا شد و او در آستانه انتخابات ریاست جمهوری امریکا، به افغانستان سفر کرد و با نظامیان آن کشور دیدار داشت. آقای اوباما برخلاف انتظار مقامات افغانستان، از حکومت افغانستان شدیداً انتقاد کرد و زنگ خطر برای آقای کرزی به صدا درآمد و نسبت به رفیقی امریکایی ها کمی تردید کرد.

این اندیشه برای او ایجاد شد که آن قدرها نباید خوش بینانه نگریند و بیش از حد به امریکایی ها اعتماد

امریکا در سال ۲۰۱۳ داده بودند، به مراتب سخت تر و آگاهی بخش تر از اکنون بود اما مقامات افغان آن سخنان را با مردم افغانستان در میان نگذاشتند و از نیات واقعی امریکایی ها مردم خبردار نشدند.

وقتی کسی از کشوری، یا نیرویی توقع داشته باشد، زمانی این توقع را برآورده شدن نداند لاجرم ناراحت و دلگیر می شود عصبانیت بر او غلبه می کند. اما وقتی شناختی وجود داشته باشد و بر اساس شناخت ها موضع گیری صورت گیرد کمتر اشتباه و تردید به وجود می آید.

کسانی که فلسفه وجودی تمدن غرب را می دانند و حضور سیاسی و یا نظامی غربی ها را با آن پارادایم مورد بررسی و تحلیل قرار می دهند هیچ گاه گفته های مقامات غربی برای آنها غیر منتظره نیست، نه از کوره عقلا نیت بیرون می روند و نه لب به دشنام و ناسزاگویی می گشایند.

اصل فلسفه غرب به دست آوردن منافع بیشتر است. به دست آوردن منافع، محوری ترین، کانون ترین و زیربنایی ترین اصل ارتباط میان آن کشورها با سایر کشورها است.

بنابراین منفعت غربی ها ایجاب می کرد در افغانستان حضور یابند، امروز آن منافع تامین شده است. اگر تامین نشده بود هزار حيله و نیرنگ به کار می بستند تا در افغانستان حضور داشته باشند.

لذا این که افغانستان بعد از سیزده سال در حال ناامنی به سر می برد، اقتصاد افغانستان بیمار است و حکومت داری نامطلوب است، اصلاً برای غربی ها از اهمیتی برخوردار نیست. نباید پنداشته شود که غربی ها در برابر ما مسئولیت داشتند ولیکن به این مسئولیت های خود عمل نکردند. باید گفته شود که غربی ها برای تامین منافع خود حضور یافته بودند و امروز حداقلی از آن منافع تامین شده است و اگر چنانچه این منافع هم چنان در حال تکمیل شدن بود به قول آقای اوباما تا سال ۲۰۱۶ تمام نیروهای خود را از افغانستان بیرون خواهند برد.

بحرین؛ مشت آهنین آل خلیفه پاسخ تظاهرات مسالمت آمیز مردم

النمر» رهبر شیعیان عربستان، صادر شد. همزمان، تروریست های تکفیری با هدف قرار گرفتن مجلس عزاداری شیعیان چند تن را به شهادت رساندند.

چند روز پیش نیز نیروهای نظامی آل سعود شهر شیعه نشین «العوامیه» را محاصره کرده و پنج تن را به شهادت رساندند و دهها تن دیگر را زخمی کردند.

به نظر می رسد هر گونه تغییر معادله در بحرین بتواند بر اوضاع عربستان به ویژه مناطق شیعه نشین تاثیر داشته باشد. از این رو، رژیم آل سعود افزون بر دخالت نظامی در بحرین تلاش می کند با افزایش خشونت علیه مخالفان داخلی، خود را از تیررس آنان به دور نگه دارد.

بنابراین با توجه به همه رخدادهای یادآوری شده می توان اینگونه تحلیل کرد که اقدام مقام های بحرین در بازداشت شیخ علی سلمان با چراغ سبز امریکا، انگلیس و عربستان صورت گرفت تا از این راهبرد و با در تنگنا قرار دادن مخالفان دولت، دست خود را در اداره امور این کشور بازتر کنند و همه خط قرمزها را نادیده بگیرند.

اما رژیم آل خلیفه و پشتیبانان آن با همه خشونت هایی که علیه تظاهرات مسالمت آمیز بحرین به کار گرفته اند تاکنون در مهار انقلاب مردم ناکام بوده اند.

همچنین اصلاحات ظاهری آل خلیفه نتوانسته است خیزش مردم را فرو نشاند.

انقلاب مردم بحرین تنها خیزش منطقه طی چهار سال گذشته بود که با وجود ریخته شدن خون های فراوان، تاکنون نتوانسته است به طور مسالمت آمیز ادامه داشته باشد و افزون بر پیگیری خواست خود برای استقرار نظام مردمسالار، منافع دیگر بازیگران خارجی در بحرین را با چالش روبرو کند.

را خواستار می شد، موضع نرمتری گرفته و لحن انتقادی نسبت به سردمداران بحرین را کاهش داده است.

این فروکش کردن موضع گیری امریکا پس از آن صورت گرفت که گروه های سیاسی بحرین در انتخابات مجلس نمایندگان این کشور که اول قوس برگزار شد، شرکت نکردند.

واشنگتن که هر از گاه در ظاهر از سردمداران بحرین می خواست اصلاحات را در دستور کار قرار دهند پس از تحریم انتخابات بحرین از سوی گروه های مخالف بهانه لازم برای تغییر موضع را یافت.

بحرین از این رو که پایگاه ناوگان پنجم نیروی دریایی امریکا است برای این کشور اهمیت برجسته ای دارد و هر گونه تغییر در بحرین می تواند منافع واشنگتن را با تهدید جدی روبرو کند. بنابراین می توان گفت که تحریم انتخابات از سوی گروه های مخالف آل خلیفه، پایه ای ترین بهانه واشنگتن برای تغییر موضع بوده است.

در سطح منطقه ای هم باید گفت اوضاع امنیتی در عربستان سعودی در اوضاع بحرین اثر داشته است. عربستان سعودی در آغاز سال ۲۰۱۱ میلادی (پایان ۱۳۸۹ خورشیدی) با وارد کردن نیروی نظامی در قالب «سپر جزیره» به بحرین و سرکوب انقلاب مردمی این کشور، از آل خلیفه پشتیبانی کرد و انواع کمک های سیاسی، اقتصادی و نظامی را اختصاص داد.

افزون بر دخالت نظامی در بحرین، عربستان سعودی از ماه های پیش تاکنون اقدام های خشونت آمیز خود را علیه شیعیان عربستان در ولایت «الشرقیه» و منطقه «القطیف» افزایش داده است.

ماه محرم بود که حکم اعدام شیخ «نمر باقر

مشت آهنین با مردم برخورد کند.

به گزارش ایرنا، احمد الکحلوی؛ فعال حقوقی و سیاسی تونسی، پس از دستگیری رهبر برجسته مخالفان بحرین و افزایش دامنه اعتراض ها در این کشور سیزدهم جدی به شبکه خبری «العالم» گفت: بهتر بود مقام های بحرین به دنبال راه حلی برای بهبود اوضاع این کشور بر می آمدند؛ چرا که منطقه هم اکنون در فضای پرتنش به سر می برد و خطرهای بسیاری مانند تهدیدهای رژیم



صهیونیستی و گروه های تروریستی از جمله «داعش» و «جبهه النصره» منطقه را با چالش روبرو کرده است.

ماه پیش بحرین با انگلیس توافقنامه نظامی به امضا رساند که به موجب آن به این کشور اجازه ساخت پایگاه نظامی در بحرین داده می شود.

این نخستین پایگاهی است که پس از چهار دهه از عقب نشینی نظامی انگلیس از منطقه خاورمیانه در بحرین ساخته می شود.

همچنین طی ماه گذشته، امریکا که گاهی دستکم در ظاهر علیه نظام بحرین موضع گیری می کرد و اصلاح سیاسی در این کشور

از اعتراض های مسالمت آمیز مردم بحرین حکایت دارد.

بازداشت شیخ علی سلمان در شرایطی صورت می گیرد که اقدام سرکوبگرانه مقام های بحرین علیه فعالان سیاسی و مدافعان حقوق بشر در حال افزایش است.

پیش از بازداشت شیخ علی سلمان نیز دولتمردان بحرین «زینب الخواجه»، «مریم الخواجه» و شمار دیگری از فعالان حقوقی را به سبب فعالیت های حقوق بشری زندانی

کرده بودند. همچنین قرار است این ماه «نبیل رجب» رییس مرکز حقوق بشر بحرین، بار دیگر محاکمه شود. افزون بر این، رژیم آل خلیفه شماری از شهروندان را به سبب فعالیت سیاسی به اعدام و شمار بسیاری را به زندان محکوم کرده است.

موج خشونت و دستگیری فعالان سیاسی در بحرین در حالی صورت می گیرد که رخدادهای جهانی و منطقه ای نیز سبب شده است رژیم آل خلیفه برای کنترل اوضاع، فضای امنیتی در این کشور را تشدید و با

تأیید قرار گرفت و کسی در راس قدرت سیاسی و حکومت موقت قرار گرفت که مورد پذیرش آنها قرار داشت. این حکومت با آن که تعریف بلند بالایی پذیرفته بود اما بی هیچ شک، یک حکومت مصلحتی بیش نبود.

حکومتی که بر کارایی آن توجه چندانی صورت نگرفت، میزان تجربه های حکومت داری آنها مورد توجه واقع نشد، تراز فهم و درک سیاسی حکومت گران در نظر نیامد، آنچه مهم تلقی می گردید فراهم کردن افرادی از تمام اقوام در کابینه حکومت بود. ایجاد آن حکومت با این استدلال بود که گویا همه اقوام افغانستان خواهان حضور خود در کابینه حکومت هستند و اگر این خواسته برآورده نشود، مردم به کابینه حکومت تمکین نخواهند کرد و اقتدار حکومت را هرگز نخواهند پذیرفت و در نتیجه حکومتی که به وجود خواهد آمد اتوریته و مشروعیت لازم را نخواهد داشت.

از منظر دیگر اگر تحلیل شود، این حکومت نه برای خواست اصلی مردم که امنیت، فقرزدایی، ایجاد اشتغال، پل ارتباط انسانی میان کلیت مردم افغانستان بود ایجاد نشده بود بلکه صرف خواسته های سران اقوام را مد نظر قرار داده بود. در سیزده سال گذشته یکی از عمده نقدهایی که بر حکومت آقای کرزی وارد آمد آن بود که به جای آن که در ایجاد ارتباط انسانی میان اقوام کشور بپردازد و پارگی های دوران جهاد را رفو کند و زخم های قوم گرایی را التیام بخشد؛

تأیید قرار گرفت و کسی در راس قدرت سیاسی و حکومت موقت قرار گرفت که مورد پذیرش آنها قرار داشت. این حکومت با آن که تعریف بلند بالایی پذیرفته بود اما بی هیچ شک، یک حکومت مصلحتی بیش نبود.

به پایان آمد این دفتر حکایت ... (بخش سوم و پایانی)



هیچ عنوان رنگ و صبغه عادلانه نخواهد داشت و بر نهج عدالت سیر نخواهد کرد، ذات حکومت قومی غیرعادلانه است. اولین گام آن نادیده گرفتن ارزش های فردی انسان ها و زیر پای نهادن و لگد مال کردن آن است.

بنابراین در حکومت قومی، حقوق فردی که حقوق بنیادین جامعه است، فدا و قربانی و تبانی می شود. چگونه می توان میان حکومت داری مطلوب و حکومت قومی جمع کرد؟ این تناقضی بود که غربی ها به وجود آوردند و در نتیجه قومیت بر حکومت داری مطلوب غلبه یافت و شکل و رنگ قومیت به همه ابعاد حکومت نشست.

شاید این گونه استدلال شود که اگر سران اقوام در حکومت جمع نشده بودند، هیچ گاه توافقی ایجاد نمی شد تا حکومت شکل گیرد؛ اما واقعیت آن بود که مردم افغانستان به صورت عمومی از همین سران اقوام و احزاب قومی رنج برده بودند و هرگز به این ها اعتماد نداشتند و حکومت دوباره ی سران قومی به معنای بازگشت خشونت و زورگویی، زر اندوزی و بی بند باری در کشور تلقی می گردید.

از آن جایی که مردم توسط سران قومی گروگان بودند و جامعه ی مدنی و احزاب مردم مدار و مدنی در کشور وجود نداشت در نتیجه سرنوشت مردم به دست سران اقوام افتاد و امروز اگر وضعیت بدین گونه است؛ بی تردید که حکومتی قومی این وضعیت را بر مردم

کوشید که این شکاف را عمیق تر و حکومت را رنگ و رونق قومی ببخشد، سوء ظن ها را افزایش دهد، بر رنگ و لعاب قومی در حکومت بیفزاید، در نتیجه اختلاف میان اقوام افزوده شود. گرچه هر یک این نقدها، نقدهایی به جا بود و باید هم چنین نقدهایی صورت می گرفت؛ اما از یک نکته غفلت صورت می گرفت و آن این که وقتی فلسفه وجودی حکومتی بر مبنای خواست سران اقوام بنا یافته باشد و هدف برآوردن نیات سران قوم باشد به سخن دیگر وقتی دانه ای در خاک فرو رود آنچه از خاک بیرون می آید و به ثمر می نشیند لاجرم رنگ دانه را خواهد داشت؛ نمی توان از حنظل تلخ هندوانه شیرین به دست آورد.

حکومت داری در افغانستان نیز کاشتن تخم تلخ در سرزمین شوره زار بود در نتیجه آن چه درو شد همان بود که جامعه جهانی به زمین کاشته بودند.

بنابراین زمانی که این دانه به بار نشد شکل و شمایل حکومت داری مطلوب نداشت. خواست اکثریت را برآورده نکرد و اگر چنانچه حضور جامعه جهانی نبود ممکن بود حکومت قومی جنگ های خونین گذشته را بار دیگر تکرار کند و افغانستان به دهه های گذشته بر گردد.

جامعه جهانی با تجربه های سیاسی ای که در انبان خود دارند به این نکته وقوف داشتند که حکومتی که بر مبنای قومیت ایجاد شده باشد و تنها رضایت سران قومی را مد نظر قرار دهد هیچ گاه و به

حکومت داری خوب

نیروهای غربی حضور خود در افغانستان را با اهداف بلندی تعریف کرده بودند که یکی از این هدف ها، کمک به ایجاد حکومت داری مطلوب و قابل قبول در افغانستان بود.

حکومت داری مطلوب به نوعی حکومتی تلقی می گردید که بر مبنای خواست اکثریت مردم شکل گیرد و مطالبات عمومی مردم را مد نظر قرار دهد. به سخن دیگر، نوعی حکومتی که با معیارها و ضوابط دموکراتیک همراه باشد و مشروعیت خود را از رای مردم بستاند و وجود خویش را فقط بر آوردن مطالبات و نیازمندی های مردم افغانستان بداند.

ایجاد حکومت داری مطلوب هدفی بود که در نشست بن(۲۰۰۱) برای حکومت موقت نیز تعریف شده بود و به آقای کرزی از سوی جامعه بین المللی وظیفه سپرده شده بود که در راه ایجاد حکومت داری مطلوب گام بردارد. ولکن تعریف حکومت داری مطلوب، مورد وفاق مردم افغانستان و جامعه بین المللی قرار نداشت، بدین معنا که غربی ها تصور می بردند که حکومتی مطلوب آنست که بتواند با اهداف آنها سازگار باشد و در راستای امیدها و آرزوی ها آنها گام بردارد.

در نشست بن این دوگانگی دیدگاه خود را آشکار کرد. یعنی در برابر رای اکثریت فراهم آمدگان، رای کشورهای غربی به منصف ظهور پیوست و مورد

افغانستان تحمیل کرده است.

از ساختار فاسد نمی توان انتظار خدمت گزاری داشت. سخن اخیر این که از ورود نیروهای غربی کمک به ایجاد حکومت داری مطلوب مد نظر بود؛ اما در نهایت حکومت داری به یک ایده آل دست نیافتی تبدیل گشت و امروز نه تنها آن عروس خوش خط و خال چهره نموده که روی در نقاب کشیده و چنان می نماید که این مردم را نامحرم خود دانسته است و هرگز به کرشمه نخواهد پرداخت، محمود امیدها در پای این ایاز به یاس و حرمان تبدیل خواهد گشت. فرهاد آرزوها در پای کوه های نامیدی ها جان خواهد داد نوشی از لب لعلین شیرین نخواهد گرفت!